

Strategic Thinking 2

تفکر استراتژیک ۲

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

مطالعات علمی در زمینه مدیریت و رهبری leadership میگوید مهمترین مهارتی که یک رهبر یا مدیر باید داشته باشد تفکر استراتژیک است. در مطالعه ای که در امریکا انجام شده از هر ۱۰ مدیر ۳ مدیر تفکر استراتژیک داشته اند.

ریچ هوروات می گوید برای استفاده از تفکر استراتژیک سه شرط لازم است: یکی داشتن ذکاوت و بینش. بتوانی صحنه شطرنج را ببینی. شرایط و وضعیت فعلی خود را دقیق دیدن. بدون خیالبافی و بدون آرزو اندیشی. Acumen: insight
دوم: اختصاص منابع. منابع عبارتند از وقت، استعداد، بودجه

خیلی وقت ها استراتژی یعنی اینکه بدانیم چه کاری را انجام ندهیم تا اینکه چه کارهایی را باید انجام دهیم. در اختیار داشتن منابع فراوان تضمین موفقیت نیست. مهم این است که از منابع خود چگونه استفاده می کنیم.

مثلا ایران منابع طبیعی فراوانی دارد ولی مردمش در فقر و فلاکت زندگی می کنند. محمد خاتمی سرمایه اجتماعی برای اصلاحات را به هدر داد. چون استراتژی نداشت. شناخت مناسبی از بازی که وارد آن شده بود نداشت.

در موضوع اختصاص منابع یعنی بلد باشیم داد و ستد کنیم. بدانیم کدام مسیر را برویم و کدام مسیر را انتخاب نکنیم. بدانیم کدام کار را انجام دهیم و کدام یک را انجام ندهیم. ما معمولا عادت داریم فعالیت های زیادی را به لیست فعالیت های خود اضافه کنیم بدون اینکه بخشی از فعالیت های خود را کم کنیم تا فضای لازم برای انجام با کیفیت بقیه فعالیت ها باز شود.

سوم: عمل

در این مرحله باید تمرکز خود را روی کاری که باید انجام دهیم حفظ میکنیم و به وسیله رسانه ها و شبکه های اجتماعی حواسمان پرت نمی شود.

3 As of strategic thinking:

1. Acumen: insight. All great managers start with insight.

2. Allocation. Focus on resources. Time, talent, budget.

به تمایز هدف، استراتژی و تاکتیک توجه کنیم. هدف، استراتژی و تاکتیک در سه سطح قرار دارند.

با خود فکر کنید هدف شما دقیقا چیست. هدف گذاری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. استراتژی و تاکتیک روش رسیدن به هدف را نشان میدهد. مثلا اگر مدیر یک شرکت رسانه ای هدف خود را این قرار دهد تا بینندگان برنامه های خود را افزایش دهد، این هدف است.

سوال اینجاست چگونه میخواهد به این هدف برسد؟ این میشود استراتژی. اقداماتی که انجام میدهد می شود تاکتیک.

Goal Strategy Tactics

مثلا هدف این است که وزن کم کنیم. چقدر؟ در چه مدت زمان؟ ۱۰ کیلو در مدت ۶ ماه.

استراتژی *how generally we are going to do it* این است که رفتارهای افزایش وزن را کاهش دهیم.

تاکتیک کارهای مشخصی است که برای رسیدن به هدف انجام میدهید. مثلا آب بیشتر می نوشید. روزی ۱ ساعت روی تردمیل میروید. یک وعده غذایی را حذف می کنید.

Goal Strategy Tactics

مثلا هدف جمهوری اسلامی این است که به اعتراضات خاتمه دهد.

استراتژی *how generally we are going to do it* آنها این است که

اعتراضات را سرکوب کنند. تاکتیکالی یا بطور مشخص در خیابان با معترضین برخورد می کنند، از گاز اشک آور و گلوله های پلاستیکی و در مواردی جنگی استفاده می کنند. اعترافات تلویزیونی پخش می کنند.

دقت داشته باشید اهداف شما باید واقع بینانه و قابل دسترس باشند وگرنه دچار سرخوردگی می شوید.

باید برای اتخاذ استراتژی موثر قدرت ریسک پذیری بالایی داشته باشید. رییس نت فلیکس یک بار گفت اگر به هنگام استراتژی دچار رنج و مشقت نشوید شما استراتژی طراحی نکرده اید.

لازم است به مدیران و پرسنل ادارات و سازمانها تفکر استراتژیک آموزش داده شود تا این مهارت در آنها ایجاد شود.

نمیتوان کاری را مثل همیشه انجام داد و انتظار نتایج متفاوتی داشت. اگر استراتژی بکار گرفته شده جواب نداده، باید به فکر طراحی یک استراتژی جدید رفت.

نمیتوان سالها به شیوه ای واحد عمل کرد و انتظار داشت به طرز معجزه آسایی نتایج مطلوب ناگهان بدست آید.

ریج هوروات این وضعیت را کار کردن بدون فکر کردن می نامد.

رشد و پیشرفت در کارها در گرو نواندیشی و تفکر تازه است.

تعریف برتری excellence این است: انحراف از نرم ها و شیوه معمول انجام کارها. deviation from the norm

اگر به همان روشی عمل می کنیم که شرکت ها و افراد به شکل نرمال عمل می کنند، نمی توانیم فوق العاده باشیم. امروزه در اختیار داشتن منابع فراوان چیزی را تضمین نمی کند. مهم این است که از منابع چگونه استفاده می کنیم و آنها را به چه کارهایی اختصاص می دهیم.

ما باید بده بستان trade offs داشته باشیم. داد و ستد داشته باشیم. وقتی تصمیم به انتخاب یک مسیر می گیریم یعنی عملاً مسیرهای دیگر را کنار گذاشته ایم.

در زندگی و کار ما دائماً با موقعیت هایی مواجه می شویم که باید داد و ستد کنیم. انتخاب یک مسیر به قیمت انتخاب نکردن سایر مسیرهاست.

شرط اصلی برای موفقیت شرکت ها و سازمانها، تغییر در اختصاص منابع است. روش هایی که بازدهی نداشته اند را کنار بگذارید و منابع را به روش های جدید اختصاص دهید.

بیشتر شرکت ها تغییر در اختصاص منابع را سالی یکبار انجام می دهند. شرکت های موفق موضوع اختصاص منابع را ماهانه و یا هر چهار ماه یکبار بررسی می کنند.

هرگونه کپی برداری از مطالب این وب سایت بدون ذکر منبع پیگرد قانونی دارد.